

تحلیل بحران افزایش قیمت‌ها در ۱۳۸۲ و سیاست‌های کنترل گرانی

علی حسین یاراحمدی
(کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه تهران)

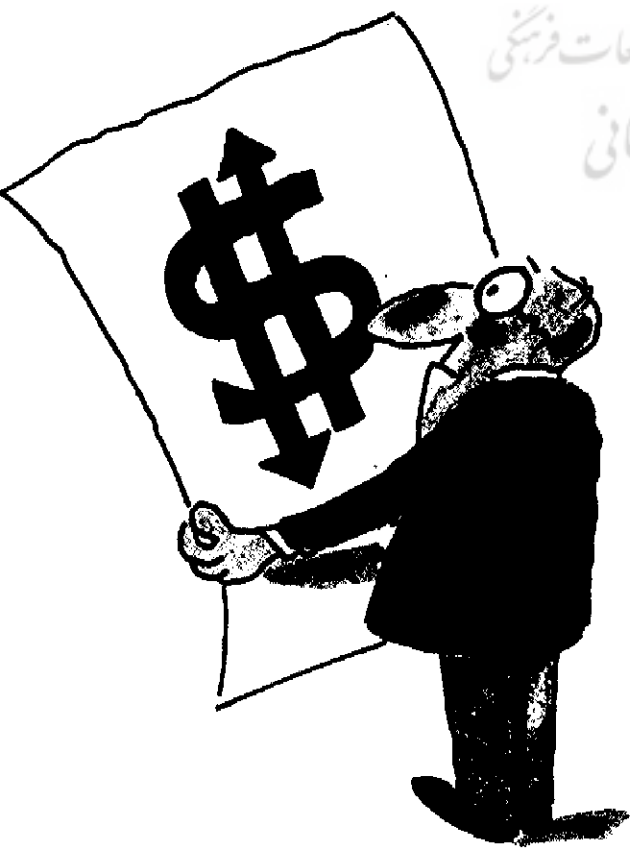
این هدف دست یافت در یک اقتصاد با برنامه، سازمان مرکزی برنامه‌ریزی برنامه‌هایی برای تخصیص منابع تدوین می‌کند. در اقتصاد بازار، منابع به وسیله سیستم قیمت، تخصیص می‌یابند. قیمت مشخص می‌کند که چه کالاها و خدماتی و در چه مقداری باید تولید شود، این کالا و خدمات چگونه باید تولید شود و سرانجام برای چه کسی باید تولید شود. بنابراین، قیمت بر درآمد و رفتار مصرف‌کننده اثر می‌گذارد. محصولاتی که مصرف‌کننده با درآمد معین خریداری

هدف اصلی جامعه اقتصادی، تخصیص منابع میان اعضای جامعه برای رسیدن به رفاه بیشتر کل جامعه است. در اقتصاد بازار، این تخصیص از طریق سازوکار قیمت‌ها انجام می‌گیرد. در کشور ما اگر چه این سازوکار راه توسعه اقتصادی بازار است. اما، الزامات آن مانند سیستم حقوقی مدرن، انتخاب آزاد، حکومت قانون و محترم شمردن مالکیت فردی هنوز فراهم نشده است.

در چند سال گذشته، قیمت‌ها همواره در ابتدای هر سال افزایش داشته است. در ابتدای ۱۳۸۲ نیز به‌رغم انتظار دولت و مسؤولان که انتظار داشتند قیمت‌ها به میزان برنامه‌ریزی شده یعنی ۱۰ درصد افزایش یابد، این افزایش فراتر از ۱۰ درصد قیمت‌ها منتهی به بحران افزایش قیمت‌ها در کشور و موجب نگرانی‌های دولت و مردم شد. در این مقاله، نظریات ارائه شده در زمینه این بحران از دریچه‌هایی مانند مستندات قانونی افزایش قیمت‌ها (یعنی خود دولت با اجرای قانون برنامه سوم توسعه و قانون بودجه ۱۳۸۲)، کسری بودجه، رشد نقدینگی، چسبندگی قیمت‌ها و جز آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و راهکارهایی برای کنترل گرانی و تورم به دولت پیشنهاد می‌کند. در پایان مقاله، به نقش و مسؤولیت سازمان‌های تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت در جلوگیری از تخلفات گرانفروشی اشاره می‌شود.

مقدمه: نقش قیمت در اقتصاد

هدف اصلی جامعه اقتصادی، تخصیص منابع میان اعضای جامعه برای رسیدن به رفاه بیشتر کل جامعه است. برای دستیابی به رفاه از منابع باید استفاده کارآمد شود. اما با کدام سازوکار می‌توان به



می‌کند و مقدار خرید هر محصول، تحت تأثیر قیمت قرار می‌گیرد. تغییرات قیمت نیز نقش مهمی در اقتصاد بازار دارد. وقتی مقدار تقاضای کالا یا خدمات بیشتر از عرضه باشد خریداران قیمت بالاتری را پیشنهاد می‌کنند. اگر هزینه‌های هر واحد فروش رفته ثابت بماند قیمت بالاتر موجب سود بیشتر می‌شود و در نتیجه، سرمایه‌گذاری در منابع برای تولید مقادیر بیشتر محصول می‌شود. به این ترتیب، تولیدکنندگان مواد اولیه بیشتری را تقاضا می‌کنند تا در صنعت مورد نظر استفاده شوند. از طرف دیگر، اگر عرضه موجود بیشتر از تقاضا باشد فشارهایی برای کاهش قیمت و کاهش محصول وجود خواهد داشت.^۱

نقش اقتصاد بازار در افزایش قیمت‌ها

با افزایش قیمت‌ها در ۱۳۸۲ به نظر می‌رسید دولت برای پیشگیری از شوک ناگهانی به بازار (برخلاف نظر کارشناسان اقتصادی که به شوک درمانی در اقتصاد ایران علاقه دارند) تصمیم دارد قیمت‌ها را آزاد و نحوه تعیین آن را به سازوکارهای عرضه و تقاضای بازار واگذار کند. اما به دلیل این که رشد تقاضا در بازار ایران نسبت به طرف عرضه همیشه پیشی دارد، سیاست واگذاری تعیین قیمت از سوی بازار بیشتر از آنکه به نفع مصرف‌کننده (مردم) باشد، تولیدکننده و عرضه‌کنندگان را منتفع می‌سازد. وجود تقاضا در بازار سبب افزایش قیمت می‌شود زیرا در بازار، کالاها و خدماتی که دولت به روش غیررقابتی تولید می‌کند همیشه تقاضا دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد افزایش بهای این محصولات موجب تغییر و کاهش در میزان تقاضای آن‌ها نمی‌شود. البته، دولت قبل از افزایش قیمت کالا و خدمات باید هزینه تولید واحدهای دولتی را (به دلیل وجود تخصیص غیربهبینه منابع) کاهش دهد.^۲ در کشور ما سازوکار قیمت‌ها به عنوان راه توسعه پذیرفته شده است. اما از یاد نبریم که توسعه اقتصاد بازار نیازمند نظام حقوقی مدرن، انتخاب آزاد، حکومت قانون و محترم شمردن مالکیت فردی است.^۳

نقش قانون در افزایش قیمت‌ها

ماده پنج قانون برنامه سوم توسعه مجوز افزایش سالانه فقط ۱۰ درصد قیمت کالا و خدمات را به بنگاه‌های دولتی داده است. در ماده ۵۱ قانون برنامه سوم آمده است: نرخ‌های ترجیحی برق، آب، گاز، مخابرات و فاضلاب باید متناسب گردند. دستگاه‌های دولتی نیز با استناد به این ماده قانونی (مصوبه مجلس) نسبت به افزایش قیمت‌ها اقدام کرده‌اند. اگر چه بعضی از افزایش قیمت‌ها از فروش اجباری ناشی می‌شوند ولی طبق قانون، فروش اجباری خدمات ممنوع است (برای مثال، پزشک و میوه در قطارهای راه‌آهن).^۴ طبق اظهارات وزیر بازرگانی، اولین قانون، قانون برنامه سوم توسعه است و دومین قانون، قانون بودجه ۱۳۸۲ است که در تبصره پنج آن آمده است: دولت قیمت کالاهای اساسی را به گونه‌ای تعیین کند که عدد یارانه‌ای منظور شده تکافوی تعهدات دولت را بکند؛ یعنی

قانون برنامه سوم در این بخش اعمال نشود. همچنین در مورد تعیین نرخ فراورده‌های انرژی، حکم شده است که قیمت‌ها بر اساس فوب (F.O.B) خلیج فارس یعنی در حد قیمت‌های بین‌المللی تعیین شود. افزایش نرخ برق برای مصارف خانگی و تجاری و جز آن تا حد الگوی مصرف ۱۰ درصد و بالاتر از آن به طور متوسط ۲۵ درصد، نه فقط ۲۵ درصد بلکه می‌تواند ۸ درصد تا ۴۰ درصد باشد. این دو قانون محترم و لازم‌الاجرا هستند و افزایش قیمت خلاف قانون نبوده است.^۵ در حالی که عنوان شده است دولت و مجلس برخلاف ماده پنج مصوب قانون برنامه سوم عمل کرده‌اند.^۶

تورم چهار نعل در اقتصاد ایران

تورم در کشورمان چهار دلیل عمده دارد که می‌توان از آن به تورم چهار نعل یاد کرد. عدم توازن عرضه و تقاضای بازار، بالا بودن هزینه تولید و افزایش قیمت واردات از علل ساختاری تورم است. سفته بازی‌ها به جای تولید، رانت خواری به جای راهنمایی و دلالتی صحیح، اختلاس به جای صحت عمل و رشوه‌خواری اداری از عمده‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده جنبه رفتاری تورم به شمار می‌روند. سیاست‌های پولی نامناسب نظیر انبساط و انقباض‌های پولی بی‌مورد، سیاست‌های مالی ناکارآمد مانند مالیات‌های متعدد و غیره هدفمند و سیاست‌های نامناسب کاری و بازرگانی از علل کرداری و پنداری تورم می‌باشند.^۷

بانک مرکزی رشد شاخص بهای تولیدکننده را در فروردین ۱۳۸۲ نسبت به ماه قبل (اسفندماه ۱۳۸۱) معادل ۱۳/۷ درصد اعلام کرده است.^۸ همچنین نرخ تورم در ۱۳۸۲ برابر ۱۶/۱۷ درصد برآورد کرده است.^۹ این بانک مدل‌های موجود ارزیابی خود در بخش سیاست‌های پولی را برای تحلیل نرخ تورم به "سیاست‌های قیمتی" و "سیاست‌های پولی" که مهم‌ترین بخش مورد توجه سیاست‌های پولی است تغییر داده است. از دیدگاه جدید، عوامل کلان تأثیرگذار بر نرخ تورم به سه دسته نقدینگی، تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز تقسیم می‌شوند. طبق مدل‌های موجود، رشد نقدینگی در ابتدای هر سال اجتناب‌ناپذیر است. اما، میزان این رشد به فرمول "یک در برابر یک" بستگی داشت؛ یعنی در برابر هر یک درصد رشد نقدینگی حدود ۰/۹۳ درصد (مشخص) بر نرخ تورم افزوده می‌شود. در مدل‌های جدید، جدولی طراحی شده است که نرخ تورم را براساس رشد نقدینگی ۵ تا ۴۰ درصد (حداقل و حداکثر) پیش‌بینی کرده است.^{۱۰}

براساس پیش‌بینی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور رشد تولید ناخالص داخلی در ۱۳۸۲ به میزان ۸/۳ درصد و نرخ تورم نیز ۱۵/۸ درصد یعنی ۷/۸ درصد بیشتر از تورم پیش‌بینی شده در برنامه سوم توسعه خواهد بود.^{۱۱} متوسط تورم در سه سال گذشته ۱۳/۲۷ درصد و متوسط تعیین شده در برنامه سوم برای سه سال اول ۱۷/۵ درصد بوده است. اگر فقط از بُعد سیاست‌های پولی نگاه کنیم تورم سال جاری در حدود ۱۵ درصد تا ۱۶ درصد خواهد بود که برخی افزایش قیمت‌های قانونی تا یک درصد، این نرخ را افزایش خواهند داد.^{۱۲}

طبق اظهارات سخنگوی دولت، مهار برنامه ریزی شده نرخ تورم در ایران در ۱۳۸۲ از اهداف دولت بود و با جدیت دنبال می شود. بر اساس قانون برنامه سوم توسعه، نرخ تورم باید در سال سوم این برنامه ۱۵ درصد باشد. مجلس شورای اسلامی برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها، افزایش بیشتر از ۱۰ درصد قیمت کالاهای مورد نیاز مردم را ممنوع اعلام کرد. شاید این راهکار به مهار قیمت‌ها کمک کند اما، در دراز مدت راهکار پایداری نخواهد بود^{۱۳}. کشورمان یک کشور در حال توسعه است و در چنین کشورهایی به دلیل وجود هزینه‌های زیرساختاری معمولاً نرخ تورم نمی‌تواند کمتر از ۱۰ درصد باشد^{۱۴}. همچنین رشد نرخ تورم در ۱۳۸۲ را باید در سیاست‌های اقتصادی دولت جست‌وجو کرد^{۱۵}.

نقش کسری بودجه در تورم

بودجه کشور در ۱۳۸۲ معادل ۹۹۰ هزار میلیارد تومان است^{۱۶} و ۶۶ درصد بودجه عمومی کشور متعلق به شرکت‌های دولتی است. کسری بودجه یعنی خلق پول قوی در جامعه که منتهی به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم می‌شود. اختلاف درآمدها و هزینه‌ها، کسر بودجه است و تا دو سال پیش که چند نوع نرخ ارز وجود داشت با تفاوت نرخ ارز پوشانده می‌شد و در ظاهر کسر بودجه هم وجود نداشت. از دو سال پیش که نرخ ارز یکسان شده است این کسر بودجه همان استقراض‌هایی است که دولت از خارج وارد می‌کند. در ۱۳۸۲ معادل ۱۱۰۰ میلیارد تومان مازاد هزینه بر درآمدهای مصوب (کسری بودجه) وجود خواهد داشت که دولت با کاهش هزینه‌های جاری و عمرانی خود آن را تعدیل خواهد کرد تا گرانی افزایش نیابد^{۱۷}. کسری بودجه جاری دولت سبب افزایش حجم نقدینگی می‌شود که پیامدهای تورمی دارد^{۱۸}. در حال حاضر در جهانی زندگی می‌کنیم که قدرت ایجاد پول و تنظیم حجم اعتبارات در اقتصاد کشور در نهایت در انحصار بانک‌های مرکزی قرار دارد. این بانک‌ها در بسیاری از کشورها مستقل نیستند و در اختیار دولت‌ها قرار دارند و بیشتر به چاپ اسکناس و پول و نقدینگی بیش از حد اقدام می‌کنند. به این دلیل پدیده تورم که منشأ آن در بودجه دولت‌ها و کسری‌های ناشی از بودجه است جزئی از اقتصاد کشورهای جهان و ایران شده است. هشت سال جنگ تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی خارجی، ساختار مالکیت دولتی و سوء مدیریت در منابع ملی کشور، پایین بودن بهره‌وری، جمعیتی رو به رشد، جوان و بیکار، دولت را هر سال با کسری بودجه و کمی منابع مواجه کرده است^{۱۹}.

نقش رشد نقدینگی در تورم

در پایان سه ماهه اول ۱۳۸۲ میزان نقدینگی در اقتصاد ایران معادل ۴۱۷ هزار میلیارد ریال گزارش شده است. رشد نقدینگی به ویژه در اقتصادهایی که ساختار صنعتی توسعه نیافته دارند با افزایش میزان نرخ تورم رابطه همسویی دارد. رشد نقدینگی موجب افزایش توان خرید مصرف‌کننده است و فشار طرف تقاضا نسبت به عرضه را در بازار

افزایش می‌دهد (و به دنبال آن بر اثر کمبود کالا و خدمت در بازار) موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود. دولت با تدابیر و سیاست‌های پولی که از ابتدا سال ۱۳۸۲ به وسیله وزارت امور اقتصادی و دارایی یا بانک مرکزی اتخاذ شده است نرخ سود بانکی را (با اصرار وزارت امور اقتصادی و دارایی) به طور متوسط یک درصد کاهش داده است که این تصمیم موجب افزایش نقدینگی است. وزیر بازرگانی علت ۸۰ درصد افزایش قیمت‌ها در کشور را رشد نقدینگی می‌داند در حالی که در برنامه سوم توسعه، رشد نقدینگی ۱۵/۹ درصد پیش‌بینی شده است. در سه سال اول برنامه یاد شده (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱) رشد نقدینگی واقعی به ترتیب ۲۹/۳ درصد، ۲۸/۸ درصد و ۳۰/۱ درصد و رشد اقتصادی واقعی نیز به ترتیب ۵/۲ درصد، ۴/۷ درصد و ۶/۵ درصد بوده است^{۲۰}. رشد ۳۰ درصدی نقدینگی کشور در سال‌های گذشته موجب تورم نهفته در اقتصاد ایران شد که سالها بعد خود را به صورت خطرناکی نشان خواهد داد. رشد بی‌رویه نقدینگی (افزایش کاذب قدرت خرید) در ۱۳۸۱ و ابتدا ۱۳۸۲ به افزایش تورم بیشتر کمک کرد و انسجام نسبی بازار را بر هم زد. در حالی که بانک مرکزی با اعمال سیاست‌های پولی نرخ ارز و دلار را به صورت مصنوعی بالا نگهداشت. زیرا رشد نقدینگی برای آن‌ها بازار کاذب ایجاد کرده است و قیمت کمتر از ۵۰۰ تومان را برای دلار در حد ۷۹۰ تومان تثبیت کرده است که موجب کاهش ارزش پولی ملی شده است.

بنابراین نقدینگی مهمترین متغیر اثرگذار بر نرخ تورم است. و در واقع، علت اصلی گرانی‌های به وجود آمده رشد نقدینگی و کسری بودجه دولت است. در سه سال گذشته به طور متوسط حدود ۳۰ درصد نقدینگی سرگردان در اقتصاد کشور وجود داشته است و در ۱۳۸۲ با توجه به متغیرهای رشد تولید ناخالص داخلی، کسری بودجه و تورم موجود، پیش‌بینی می‌شود که این نقدینگی افزایش یابد. در این شرایط، دولت در ۱۳۸۲ تلاش می‌کند نقدینگی انباشته شده را به تدریج تخلیه کند، هر چند سرعت تخلیه به کسری بودجه بستگی دارد که روشن و شفاف نیست. وزیر امور اقتصادی و دارایی بر ضرورت حفظ رشد نقدینگی کشور در حدود ۲۳ درصد در ۱۳۸۲ تأکید می‌کند. سیاست دولت در برنامه سوم کنترل تورم بوده است که موفق به انجام آن نشده است زیرا، علت عمده تورم افزایش بی‌رویه نقدینگی است در برابر یک درصد افزایش در حجم نقدینگی ۰/۲۲ درصد تورم ایجاد می‌شود فقط در سال گذشته به دلیل افزایش ۳۰ درصد نقدینگی به میزان ۶/۶ درصد تورم در کشور ایجاد شد. افزایش قیمت منتهی به حذف برخی اقلام از سبد مصرفی خانوارها می‌شود. ابتدا، کالاهای لوکس آغاز و در ادامه کالاهای ضروری حذف می‌شوند.

دکتر کمیجانی از معاون اقتصادی بانک مرکزی گفته‌اند برای کنترل نقدینگی در ۱۳۸۲، مجوز انتشار ۱۰ هزار میلیارد ریال اوراق مشارکت از شورای پول و اعتبار کسب شده است. رشد نقدینگی در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ به ترتیب ۲۷، ۲۸ و ۳۰ درصد بوده است. تأمین بودجه دولت از درآمدهای نفتی یکی از ریشه‌های اصلی رشد نقدینگی است. در ۱۳۸۱ برابر ۲۰/۵ میلیارد دلار درآمد ارزی وجود

داشت که باید به ازای آن هاریال پرداخت می‌شد. به دلیل موفق نبودن خنثی‌سازی ریال‌های پرداخت شده، نقدینگی افزایش یافت. کاهش نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها از عوامل دیگر رشد نقدینگی است. در پایان ۱۳۷۹ این نرخ از حدود ۲۴ درصد به ۱۶ درصد کاهش پیدا کرد و منتهی به آزاد شدن اعتبارات بانکی و افزایش نقدینگی در سطح جامعه شد. ارائه تسهیلات بیشتر بانکی، عامل موثر در افزایش نقدینگی است. میزان ۲۶/۳ درصد از نقدینگی ۱۳۸۱ به خالص دارایی‌های داخلی نظام بانکی برمی‌گردد که ۲۳ درصد آن مربوط به بخش غیردولتی بوده است. یعنی، نظام بانکی بیش از حد متعارف به بخش غیردولتی تسهیلات داده است که موجب رشد نقدینگی شده است. اوراق مشارکت، ابزار مهم اما گران است زیرا باید بابت آن ۱۷ درصد سود پرداخت شود. بنابراین، بانک مرکزی در صدد ارائه ابزارهای جدید برای کنترل نقدینگی است.

نقش چسبندگی قیمت‌ها در تورم

افزایش نرخ بنزین بر قیمت سایر اجناس اثر غیرمنطقی می‌گذارد.^{۲۱} این افزایش به جهت واسطه بودن این کالا و چسبندگی قیمت‌ها موجب تورم بیشتر در جامعه می‌شود.^{۲۲} گرانی عامل کاهش قدرت پولی است. این پدیده منابع مالی را کاهش می‌دهد و دولت برای تأمین آن قیمت بنزین و سوخت‌های دیگر را افزایش می‌دهد و در نهایت قیمت خدمات عمومی مانند مخابرات، نفت، برق و کالاهای اساسی مانند نان افزایش می‌یابد.^{۲۳} با افزایش نرخ سوخت، آب، برق و دیگر هزینه‌های پایه، قیمت تمام شده کالا افزایش می‌یابد و از آنجا که سرمایه‌گذار میزان مشخصی از سود را انتظار دارد قیمت محصول را هر میزان بخواهد افزایش می‌دهد تا قیمت تمام شده جبران شود. البته بنزین ۲۶۵ تومان خریداری می‌شود و ۶۵ تومان فروش می‌شود یا گازوئیل ۱۸۰ تومان خریداری می‌شود و ۱۶ تومان به فروش می‌رود. در حالی که در اروپا، آمریکا و ژاپن از حامل‌های انرژی ۳۰ تا ۴۰ درصد مالیات دریافت می‌شود.^{۲۴}

طبق ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم توسعه، دولت موظف است در شرایطی که میزان افزایش سالانه حقوق کارکنان کمتر از میزان تورم باشد تفاوت آن را بعد از محاسبه دقیق در پایان سال به آن‌ها پرداخت نماید. طی سه سال اول برنامه سوم توسعه ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ میزان افزایش حقوق کارمندان از نرخ تورم رسمی جامعه که به طور متوسط ۱۵/۷ درصد است بیشتر بوده است. به نظر نمی‌رسد افزایش قیمت کالا و خدمات سبب کاهش میزان زیان شرکت‌های دولتی شود یا حاشیه سود عملیاتی برای این بنگاه‌ها افزایش یابد. زیرا، همزمان با افزایش قیمت‌ها (از طریق افزایش دستمزدها) هزینه تولید آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. با افزایش دستمزد قیمت عوامل تولید نیز افزایش می‌یابد؛ در نتیجه، تورم ایجاد شده نوعی تورم ساختاری است. اما افزایش قیمت بنزین و افزایش دستمزدها تورم را چندبرابر می‌کند و موجب افزایش قیمت سایر کالاها نیز می‌شود.

طبق مصوبه شورای عالی که در ۱۳۸۲، حداقل دستمزدها ۲۳

درصد و متوسط دستمزدها ۱۷ درصد افزایش یافت. اقتصاد علم است. لذا باید سیکل چرخه افزایش دستمزدها قطع شود تا بتوان در مرحله بعد مانع افزایش قیمت‌ها شد.

ریشه‌های گرانی و تورم

چند سال است که گرانی بر ساختار اقتصاد کشور سیطره یافته است اما به راهکار اساسی مبارزه با آن فکر نمی‌شود و در حد طرح و برنامه باقی مانده است.^{۲۵} واقعیت این است که در چند سال گذشته هیچ‌گاه سیاست کنترل قیمت‌ها یک سیاست کلیدی نبوده است. عملکرد دولت در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که فشار بی‌رویه بر فنر قیمت‌ها مانع از حرکت طبیعی آن شده است و زمانی که فشار از این فنر برداشته می‌شود به شدت واکنش نشان می‌دهد.

گرانی را نمی‌توان در مدت کوتاه کنترل کرد؛ زیرا ساختار تولیدی کشور تورم‌ساز است.^{۲۶} رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفته است: پس از پیروزی انقلاب ۱۹۰۰ شرکت دولتی و عمومی تأسیس شد که تاکنون راهبرد مشخصی برای ساماندهی آن‌ها وجود نداشته است در حال حاضر ۳۰ درصد آن‌ها زیان می‌دهند و ۱۰ درصد آن‌ها در نقطه سر به سر قرار دارند. حمایت نکردن از تولید و سرمایه‌گذاری به دلیل کسری بودجه دولت، رشد ۳۰ درصدی نقدینگی در ۱۳۸۱، تحقق نیافتن درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولت، کسری بودجه و تحقق نیافتن خصوصی‌سازی از دلایل ساختاری گرانی در اقتصاد ایران است.

بخش عمده تغییرات قیمت‌ها حاصل شوک‌های روانی ناشی از افزایش تورم است. افزایش قیمت‌ها و فقدان دستگاه‌های



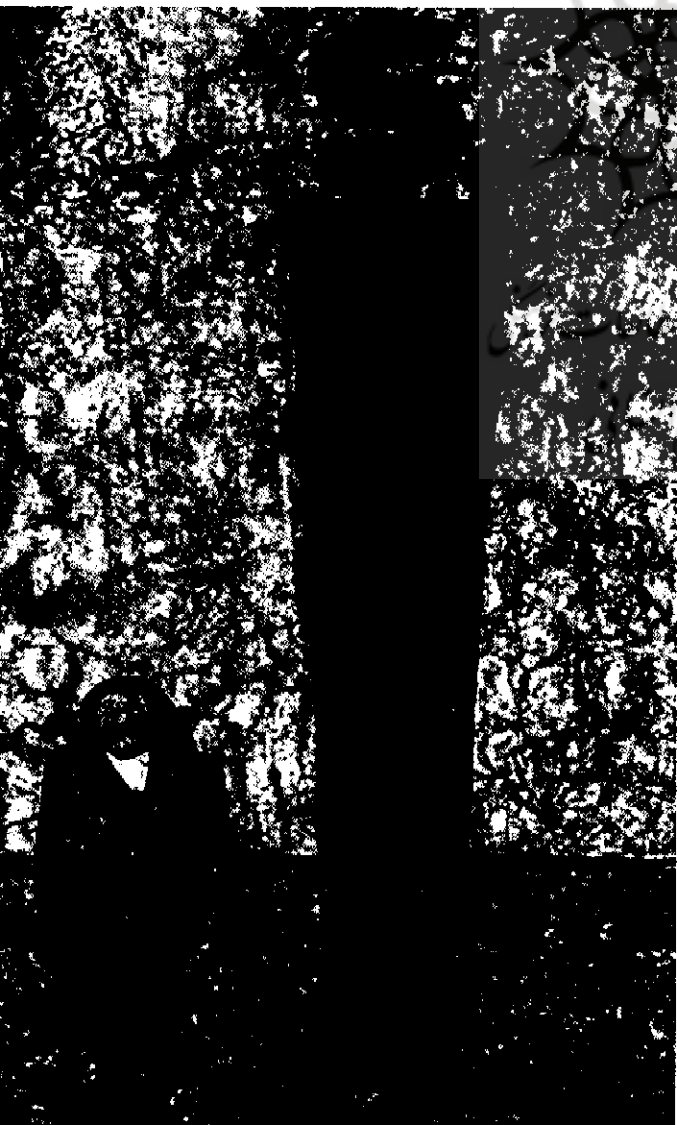
ارزیابی نقش سازمان‌های تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت در کنترل قیمت‌ها

تقویت فرایند اطلاع‌رسانی به مردم و فعالان اقتصادی و واگذاری بخشی از فعالیت‌های نظارتی به اصناف ضرورت دارد. زیرا نظارت و بازرسی، ابزار مهم دفاع از حقوق مردم یعنی مصرف‌کنندگان است. سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان بازرسی و نظارت نیز باید همواره به رشد تولید، سرمایه‌گذاری و افزایش ارزش افزوده توجه کنند. البته حمایت از مصرف‌کننده به معنای آسیب رساندن به تولید و اشتغال نیست از آن‌جا که بخش عمده اقتصاد کشور دولتی است همواره یک نابرابری که به زیان مصرف‌کننده و نه به نفع تولیدکننده است ایجاد می‌شود. متأسفانه در دیدگاه بخشی [غیرسیستمی] یک بخش خاص مشکلات خود را با افزایش قیمت‌ها و بدون توجه به آثار منفی آن حل می‌کند.^{۲۷} رئیس‌جمهور از جایگاه مهم سازمان‌های تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت در جامعه و نقش آن‌ها در حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان تقدیر می‌نماید در اقتصاد سالم و سنجیده روش‌های بازرسی و نظارت نیز طبیعی و معقول است و چنانچه اقتصاد دچار نقص، مشکل و کمبود باشد باید عوامل کنترل‌کننده به‌صورت ویژه فعال شوند و مانع نابرابری‌ها شوند.^{۲۸}

از یک طرف گفته شده است با فعالیت نهاد تعزیرات حکومتی در کشور دولت نتوانسته است مانع افزایش قیمت‌ها شود. البته نهاد

هدایت‌کننده در جامعه موجب افزایش بی‌رویه قیمت‌ها شده است و دستگاهی که قدرت نظارت و هدایت در فراهم آوردن امکاناتی برای افزایش عرضه کالاها و خدمات و جلوگیری از رشد قیمت‌ها داشته باشد وجود ندارد. دستگاه‌های دولتی به بهانه آزادسازی اقتصاد یا خصوصی‌سازی، قدرت‌های انحصاری را به‌وجود می‌آورند. این در حالی است که در جهان امروز فرایند رقابتی کردن و خصوصی‌سازی با هم انجام می‌گیرند. سیاست‌های تعدیل اقتصادی که از ۱۳۶۱ اجرا شده است در طول سال‌های گذشته با وجود زیان‌های جبران‌ناپذیر به مصرف‌کنندگان تغییرات مؤثری نیز در میزان تولید ایجاد نکرده‌اند. افزایش قیمت بعضی کالاها و خدمات نشان می‌دهد سیاست دولت با اظهارات رئیس‌جمهور و مقامات ارشد اقتصادی درباره مهار تورم اختلاف بسیار دارد. دولت نه تنها برنامه‌ای برای مهار گرانی ندارد بلکه خود عامل رشد قیمت‌ها است. سیاست‌های متناقض دولت در افزایش قیمت کالاهای یارانه‌ای و تنظیم بازار گویای این مطلب است که پس از آن‌که معتقدان حذف یارانه‌ها و واقعی‌سازی قیمت‌ها نتوانستند موافقت و حمایت همگانی نهادهای تصمیم‌گیرنده مانند مجلس را درباره هدفمندی یارانه‌ها جلب کنند قیمت سوخت و فرآورده‌های نفتی، لبنی، نان، آرد، بلیط هواپیما و قطارهای مسافری، آب، برق و جز آن را افزایش دادند. تعدادی از دستگاه‌ها و سازمان‌ها در صدور مجوز خود تغییرات نامناسبی دادند که منتهی به افزایش قیمت‌ها شد. شورای اقتصاد در محدوده مجوز قانون برنامه سوم و بودجه سال ۱۳۸۲ فقط مجوز ۱۰ درصد رشد قیمت‌ها را صادر کرد. اما، دستگاه‌های یاد شده با نظر شخصی خود میانگین عددی قیمت کالاها و خدمات عرضه شده را به ۱۰ درصد رساندند که در نتیجه این تخلف، قیمت برخی کالاها و خدمات افزایش یافت. مسائل غیراقتصادی تنش‌زا مانند استفاده از گرانی برای تسویه حساب‌های سیاسی موجب تورم بیشتر شد. در حالی که مسائل اقتصادی فقط با ابزارهای اقتصادی قابل حل هستند.

این نظر وجود دارد که دولت از اهداف برنامه سوم توسعه و بودجه ۱۳۸۱ تخطی کرده است. زیرا دولت متعهد شده بود در برابر یکسان‌سازی نرخ ارز مانع افزایش قیمت کالاهای اساسی شود و علت گرانی در ماه‌های اولیه ۱۳۸۲ انجام ندادن به این تعهدات است. از طرفی در ۱۳۸۲ دولت برای رشد اقتصادی هدف‌گذاری شده، سیاست رشد اقتصادی تورمی را ادامه می‌دهد. بنابراین، افزایش قیمت کالاها و خدمات بخشی از واقعیت اقتصادی در تعادل نداشتن بودجه خانوار و دهک‌های درآمدی ده‌گانه است. اگر کشور با مشکل اشتغال و نیاز به رشد بالای اقتصادی روبه‌رو نبود، کاهش نرخ تورم به رقم پایین‌شش درصد در سال، دشوار نبود. اما دستیابی به نرخ‌های بالای رشد اقتصادی برای ایجاد اشتغال مستلزم نقدینگی است. نقدینگی، پایه افزایش قیمت‌ها است. علاوه بر رشد نقدینگی، کاهش عرضه کالا و خدمات در افزایش قیمت‌ها نقش داشته است. اعتبارات و تسهیلات بانکی، تأمین منابع دولتی از طریق اخذ تسهیلات و روش‌های بدون ایجاد درآمد برای دولت و وجود انحصارات از عوامل رشد نقدینگی است.



تعزیرات در زمان جنگ از ابزارهای کنترل قیمت بود که به کار گرفته شد و تا اواخر هم در جامعه فعالیت داشت. اما به نظر می‌رسد اگر خواهان کار اساسی و زیربنایی در این زمینه باشیم باید قوانین مجلس و اجرائیات دولت و آیین‌نامه‌ها مدون شوند و در صورت لزوم بعضی مصوبات را جابه‌جا کرد و بعضی از مجوزها را باطل کنیم و اگر دولت خدمتگزار دید قانونی تصویب شده و درست اجرایی نمی‌شود باید از مجلس بخواهد آن را تعدیل یا تعویض کند.

از طرف دیگر، گفته شده است در طول سال‌های گذشته از سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان شمشیری ضد تخلفات استفاده شده است. اما بتدریج بارها کردن بازار نقش این سازمان کنترل‌کننده فراموش شده است. در حاشیه قرار گرفتن سازمان‌هایی مانند تعزیرات زمینه تخلفات در کشور را فراهم می‌آورد و فرصت‌طلبان مردم را سرکیسه می‌کنند. در راستای سیاست‌های دولت می‌توان دریافت که کنترل و نظارت سازمان‌هایی مانند سازمان بازرسی و نظارت، سازمان تعزیرات حکومتی در بازار کم شده است و نظارت آن‌ها فقط نظارت ارشادی است.

نمونه‌هایی از انتشار و درج اخبار مربوط به تعزیرات حکومتی یادآوری می‌شود. ستاد تعزیرات حکومتی ویژه گندم، آرد و نان استان تهران همه نانویی‌های استان را مکلف کرد که مطابق مفاد نرخ‌نامه نان اقدام کنند.^{۲۹} سازمان تعزیرات حکومتی درباره تکذیب و صحت نداشتن خبر «با تصویب قانون جدید نظام صنفی کشور اختیارات سازمان بازرسی و نظارت و تعزیرات حکومتی به مجامع صنفی واگذار می‌شود مورخ ۸۲/۴/۳» جوابیه‌ای در روزنامه جمهوری اسلامی درج کرد.^{۳۰} با وجود این که در جریان افزایش قیمت‌ها توجه افکار عمومی می‌توانست به سازمان‌های تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت باشد و این دو سازمان می‌توانستند جایگاه قانونی، مشروع و عقلانی خود را در تثبیت قیمت‌ها و شفاف‌سازی اذهان عمومی نسبت به حقوق مصرف‌کنندگان پیدا کنند، سازمان تعزیرات حکومتی فقط با انتشار و درج چند خبر مانند رعایت مصوبه قیمتی نان و تشکیلات ساختاری مجامع صنفی و جز آن اطلاع‌رسانی داشته است.

نقش دولت در گرانی و تورم

مسئولیت تعیین قیمت‌ها: مرجع تعیین‌کننده نرخ خدمات دولتی شورای اقتصاد است بعضی اعتقاد دارند افزایش قیمت‌های کالا و خدمات در ماه‌های اولیه ۱۳۸۲ با تصویب ستاد بررسی و کنترل قیمت‌ها صورت گرفته است و علت افزایش قیمت‌ها قانون بودجه ۱۳۸۲ بوده است.^{۳۱} افزایش قیمت‌ها به طور کلی در اختیار دولت است. زیرا قیمت‌گذاری کالاهای اساسی بر عهده دولت است. ستاد بررسی و کنترل قیمت‌ها مسؤول است همه افزایش قیمت‌ها در بخش مربوط به دولت را بدون مسامحه با دقت بررسی کند و مانع افزایش قیمت‌ها شود. در حالی که شورای عالی هواپیمایی تعیین‌کننده واقعی قیمت بلیت هواپیما است. قیمت نان در هر شهرستان با توجه به وضع شهر توسط فرمانداری، اتحادیه نانوایان تعیین می‌شود. تعیین قیمت بلیت مترو به عهده دولت نیست^{۳۲} و قائم

مقام شورای شهر قیمت آن را تعیین می‌کند.

انتظار از دولت: منصفانه نیست از طرفی از دولت بخواهیم قیمت کالا و خدمات را کاهش دهد و از سوی دیگر دچار کسری بودجه نشود؛ سطح خدمات‌رسانی را پایین نیاورد و از مازاد ارزی خرج نکند؛ زیرا این‌ها با هم تناقض دارند. برای پوشش هزینه‌های دولت راهی جز عرضه کالا و خدمات به قیمت تمام شده وجود ندارد و اکنون بخش زیادی از خدمات دولتی به کمتر از قیمت تمام شده عرضه می‌شود.^{۳۳} دولت ۱۲ هزار میلیارد تومان یارانه اختصاص یافته در بودجه ۱۳۸۲ را پرداخت می‌کند و متعهد شده است تا پایان برنامه سوم حدود سه میلیون و ۴۲۴ هزار شغل ایجاد کند اما برای تحقق آن باید اقتصاد به رشد هشت درصد برسد.

پیشنهاد به دولت: وزارت امور اقتصاد و دارایی با تحلیل بازار کشور از بهمن ماه ۱۳۸۱ به این نتیجه رسید که از اول ۱۳۸۲ قیمت‌ها با افزایش قابل توجهی نسبت به سال‌های پیش مواجه است. گزارش جامعی از این تحلیل به رئیس‌جمهور ارائه شد و ایشان دستور تشکیل ستاد کنترل تورم را صادر کردند. دولت در برابر سیاست‌هایی که به نفع بنگاه‌های بخش عمومی و خصوصی اتخاذ می‌کند سیاست جدیدی درباره توزیع عادلانه ثروت، تقویت نظام پرداخت‌های انتقالی، ساماندهی نظام تأمین اجتماعی و سایر تدابیری که آثار منفی آزادسازی قیمت‌ها را در بودجه خانوار از بین ببرد، اتخاذ نکرده است و در نهایت این شیوه اصلاح قیمت‌ها موجب تعادل بازار نمی‌شود. قرار بود کسری بودجه با صرفه‌جویی در دستگاه‌های دولتی جبران شود. اما چرا این صرفه‌جویی به بودجه خانوارها تحمیل می‌شود؟^{۳۴} افزایش بی‌رویه قیمت‌ها به گونه‌ای که هر دستگاه جداگانه و بدون در نظر گرفتن مجموعه کلان اقتصادی، قیمت‌ها را افزایش دهد موجب فقر بیشتر مردم می‌شود. آیا در اقتصادی که بیش از ۸۵ درصد آن در اختیار دولت است می‌توان از آزادسازی قیمت‌ها سخن گفت؟ قیمت‌گذاری بعضی خدمات و کالاها به عهده مراجع ذی‌نفع است که ضرورت دارد رئیس‌جمهور آن اختیارات را سلب کند. اکنون تعیین نرخ خدمات حمل‌ونقل هوایی به عهده شورای عالی هواپیمایی، تعیین عوارض وصولی از خریداران [فولاد] به عهده شورای عالی فولاد، تعیین نرخ حمل‌ونقل قطار و اتوبوس توسط وزیر راه و ترابری تعیین تفاوت قیمت کالاها و وارداتی توسط وزیر بازرگانی، قیمت‌گذاری ارائه خدمات توزیع گاز مایع به عهده انجمن صنفی کارفرمایان و پیشنهاد افزایش نرخ خدمات پزشکی به عهده سازمان نظام پزشکی است. در چنین شرایطی چگونه می‌توان مانع افزایش بی‌رویه قیمت‌ها شد.

اگر دولت قدرت خرید مردم را افزایش دهد و از طرفی به مردم خدمات ارائه نکند لازم است یارانه بپردازد. با وجود این، تا درآمد ملی افزایش نیابد شرایط غیرعادی اقتصادی بر جامعه حاکم است. اگر دولت چاره‌ای برای گرانی بیندیشد که مصلحت دولت و ملت را با هم در نظر بگیرد باید این دو مطلب را سطح نظر قرار دهد که دیگر امکان بازسازی نظام کوپنی در ایران وجود ندارد و نمی‌توان ارزانی را در مقابل نابودی صدها بنگاه صنعتی و کشاورزی و بیکار شدن هزاران شاغل در این

جدول ۱. پیش‌بینی شاخص‌های کمی اقتصاد کلان کشور در برنامه سوم توسعه

رقم	پیش‌بینی برخی شاخص‌های کمی اقتصاد کلان کشور
۷۶۵۰۰۰ نفر	پیش‌بینی میانگین اشتغال جدید سالانه
۶ درصد	پیش‌بینی میانگین رشد سالانه تولید ناخالص داخلی
۷/۱ درصد	پیش‌بینی میانگین رشد سالانه سرمایه‌گذاری کل
۲۰/۸ درصد	پیش‌بینی میانگین رشد کسری بودجه
۱۶/۴ درصد	پیش‌بینی میانگین رشد سالانه حجم نقدینگی
۱۵/۹ درصد	پیش‌بینی میانگین رشد سالانه تورم

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، سند برنامه سوم توسعه، ج ۱، ۱۳۷۸، صص ۳۸۶-۳۹۱

انتخاب شد. اهمیت دادن به موضوع گرانی و دلایل ایجاد آن، نقش دولت در کنترل گرانی، وضع قوانین و مقررات و تأثیر رشد نقدینگی در گرانی و آثار روانی، سیاسی و اقتصادی گرانی از مباحث این جلسه بود و مقرر شد بحث مبارزه با گرانی به طور مداوم تا پایان سال ادامه یابد راه‌های جلوگیری از آن بررسی شود. لایحه حمایت از حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده در کمیسیون اقتصادی و همچنین لایحه نظام جامع صنفی به منظور تجمیع و یکسان‌سازی مجوز واحدهای صنوف تولیدی بررسی می‌شود. نظام صنفی متمرکز نیست و مراکز می‌مانند شهرداری،

بخش‌ها تأمین کرد. برای رفع مشکل گرانی که از مهم‌ترین مسائل مردم و حکومت است باید راه‌سومی یافت که تضمین‌کننده افزایش تولید باشد تا رابطه عرضه و تقاضا، قیمت‌ها را کاهش دهد و بدون نابود کردن منافع تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان را حمایت کند. ۳۵ سایر پیشنهادهایی که به دولت می‌شود عبارت‌اند از:

الف) تقویت بازار سرمایه و تفکیک آن از بازار مالی نقش مؤثر در کاهش نرخ بهره بانکی دارد. بعضی روش مناسب کاهش نرخ بهره رسمی را عرضه تسهیلات بیشتر نظام بانکی می‌دانند. نرخ بالای بهره بانکی هزینه تولید را افزایش می‌دهد و تولیدکننده برای جبران آن قیمت را افزایش می‌دهد.

ب) سیاست تعدیل اقتصادی به‌رغم آثار مثبت آن مانند رشد اقتصادی و ایجاد تحرک بیشتر؛ پیامدهای منفی کاهش ارزش پول ملی، افزایش بیشتر تورم و اختلال در بدهی‌های خارجی کشور را دارد.

سیاست‌های کنترل گرانی و تورم

کنترل تورم همواره از اهداف مورد توجه دولت بوده است. رئیس‌جمهور در ۱۳۸۱ دستور تشکیل کمیته‌ای برای جلوگیری از افزایش قیمت‌های غیرقانونی صادر کرد. با تأکید مقام رهبری و رئیس‌جمهور، مقرر شد وزارت بازرگانی با ارائه طرح ضربتی نسبت به کنترل قیمت‌ها و تعدیل برخی از آن‌ها اقدام کند. طبق این طرح پیشنهادی، با افزایش قیمت‌ها لازم است اقدامات جبرانی مانند عرضه کالاهای ارزان قیمت به حقوق‌بگیران برای کاهش فشارهای موجود، انجام شود. روش اساسی مبارزه با تورم این است که دولت هزینه‌هایش را کنترل کند و برای بودجه‌های عمرانی با انضباط مالی بیشتر برنامه‌ریزی کند. دستگاه‌های دولتی هر سال با انجام پروژه‌های بیشتر حجم پول در جامعه را افزایش می‌دهند بدون این‌که محصول جدیدی را تولید کنند که در نهایت موجب تورم می‌شود. ۲۶

در تاریخ ۸۲/۳/۲۷ جلسه مشترک نمایندگان دولت و کمیسیون اقتصادی مجلس برای مقابله با گرانی تشکیل شد و صرفه‌جویی و انضباط مالی راهکارهای کوتاه مدت برای مقابله با گرانی

جدول ۲. آمار تخلیفات گران‌فروشی ارجاع شده به شعب

بدوی تعزیرات حکومتی تا پایان ۱۳۸۱

سال	تعداد تخلیفات
۱۳۷۳	۳۰۲۹۲
۱۳۷۴	۱۵۴۵۶۹
۱۳۷۵	۱۰۳۶۱۶
۱۳۷۶	۱۲۲۵۶۸
۱۳۷۷	۱۲۱۷۲۹
۱۳۷۸	۱۱۲۹۸۹
۱۳۷۹	۱۰۹۱۵۳
۱۳۸۰	۱۱۷۱۵۱
۱۳۸۱	۱۰۳۲۶۸
جمع	۹۷۵۳۳۵

گزارش «سازمان تعزیرات حکومتی: گذشته، حال، آینده» به همت شورای

اطلاع‌رسانی و دفتر رایانه و مدیریت اطلاعات، بهار ۱۳۸۲، صص ۷۳ و

بخشداری، شوراهای اسلامی و شورای استان جداگانه مجوزهای مختلف برای صنوف تولیدی صادر می‌کنند. با تصویب لایحه نظام جامع صنفی، واحدهایی که تابع نظام خاص صنفی هستند باید از هیئت عالی نظارت بر امور صنفی و اتحادیه صنوف تولیدی پروانه فعالیت بگیرند. اعضای اصلی هیئت عالی نظارت متشکل از مدیرکل اصناف وزارت بازرگانی به عنوان دبیر هیئت، وزیر امور اقتصادی و دارایی و وزیر بازرگانی هستند که سیاستگذاری و تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی را به عهده دارند.

قوه مقننه می‌تواند با نظارت دیوان محاسبات کشور مبارزه با گرانی‌ها را شروع کند. مجلس نیز نباید به صورت عام و بدون بررسی، مجوز افزایش ۱۰ درصدی قیمت‌ها را صادر کند تا چه رسد به اینکه دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی نیز قیمت کالاها و خدمات را بیش از ۱۰ درصد افزایش دهند.

راه‌های مقابله با گران‌فروشی عبارت‌اند از: بهبود و اصلاح شبکه توزیع، جلوگیری از رانت‌خواری و انحصارات دولتی و غیردولتی اما اگر مشکل تولید رفع نشود با تشکیل دادگاه و تعزیرات نمی‌توان با گرانی مبارزه کرد. ۲۷ در حال حاضر با وجود قانون‌های بازدارنده‌ای مانند قانون تعزیرات حکومتی لازم است دولت و قوه قضائیه به طور جدی به وظایف خود عمل کنند.

افزایش پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال و همچنین تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی در تحقق رشد هشت درصدی اقتصاد کشور در ۱۳۸۲ مؤثر بوده‌اند. تنوع در سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تداوم کاهش نرخ‌های مالیاتی و تجمیع عوارض، تنوع بخشی بازار سرمایه مانند گسترش فعالیت بورس و تشکیل بورس‌های فلزات و کشاورزی و جز آن از تدابیر دولت برای دستیابی این میزان رشد است. افزایش درآمدهای جمعی از طریق بورس، افزایش بهره‌وری با بکاربردن سیاست‌های کارفرمایی و در نهایت افزایش دانش مدیریت از عمده‌ترین اقدامات شرکت‌ها و دستگاه‌های کنترل گرانی است.

گرانی و تورم از نگاه برنامه سوم توسعه

در مطالب گذشته با بهره‌گیری از نگرش اقتصادی و با استناد به مطبوعات، علل، ریشه‌ها، آثار و پیامدهای پدیده گرانی و تورم و راه‌های پیشگیری و مقابله با آن بررسی شد. به نظر می‌رسد کاهش یا حذف این پدیده مستلزم کاربرد نگرش نظامی باشد. از دیدگاه کلان اقتصادی پدیده گرانی و تورم در یک اقتصاد ناکارا اجتناب‌ناپذیر است و عملکردهای نامناسب موجب گرانی و تورم می‌شوند.

جدول (۱) پیش‌بینی برخی شاخص‌های کمی اقتصاد کلان کشور در برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) است. ۲۸

ملاحظه می‌شود دولت با پیش‌بینی رشد سالانه تولید ناخالص داخلی ۶ درصد و پیش‌بینی میانگین رشد سالانه سرمایه‌گذاری کل ۷/۱ درصد در طول برنامه سوم توسعه، سیاست اشتغال‌زایی جدید سالانه به تعداد ۷۶۵۰۰۰ نفر را هدف‌گذاری کرده است که به جهت دولتی بودن بخش وسیعی از اقتصاد، دولت با پیش‌بینی میانگین رشد

کسری بودجه سالانه ۲۰/۸ درصد مواجه است و ناچار به تزریق نقدینگی با پیش‌بینی میانگین رشد سالانه ۱۶/۴ درصد می‌شود. در نهایت پیش‌بینی میانگین رشد سالانه تورم ۱۵/۹ درصد ایجاد می‌شود. به عبارتی، دولت در طول برنامه سوم توسعه سیاست رشد اقتصادی تورمی را ادامه می‌دهد که بروز پدیده گرانی و تورم در چنین شرایط اقتصادی نیز اجتناب‌ناپذیر است.

تحلیل‌های اقتصادی در زمینه افزایش قیمت‌ها با استناد به مطبوعات، اطلاعات بسیار ارزشمندی درباره بیماری اقتصاد کشور به ما می‌دهد. هر چند این تحلیل‌ها تا حدودی با دیدگاه بخشی (غیرسیستمی) به پدیده گرانی و تورم پرداخته است. برخی دستگاه‌های تشکیل دهنده تصمیمات، در محیط درونی خود علل تورم را شمرده‌اند و با نگرش روانی خود برترین سایر دستگاه‌ها را مقصر افزایش قیمت دانسته‌اند. در حالی که اگر دستگاه‌ها خود را جزئی از کل نظام اقتصادی دولت بدانند می‌توانند روابط و تعامل دو جانبه و حتی چند جانبه با اجزاء دیگر نظام اقتصادی داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌ها و پیشگیری و رفع بحران قیمت‌ها نقش مؤثرتری ایفا کنند.

علاوه بر مسائل اقتصادی که در ایجاد تورم و گرانی نقش دارند لازم است به مسائل مدیریتی نیز توجه ویژه شود. از دانش مدیریت در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، کارآیی، اثربخشی، فن‌آوری اطلاعات، دولت الکترونیک و سرانجام بسیاری موضوعات دیگر در اداره امور کشور، دولت، سازمان‌ها بهره می‌گیریم.

این دانش با ماهیت میان‌رشته‌ای بودن از نگرش سیستمی در تصمیمات بسیار بهره می‌گیرد. به عنوان مثال، هنگام افزایش قیمت‌ها گفته شده است که قیمت تمام شده کالا و خدمات دولتی ایجاد می‌کند قیمت‌ها افزایش یابد. در صورتی که، این قضیه درست نیست، زیرا اگر بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP) یعنی مؤثرترین عامل تغییرات درآمد سرانه^{۲۹} افزایش یابد امکان کاهش قیمت تمام شده کالا و خدمات دولتی و به تبع آن کاهش قیمت‌ها وجود دارد. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که استفاده از نگرش مدیریت اقتصادی در حل مسائل گرانی و تورم بسیار اهمیت دارد.

گرانی و گران‌فروشی از نگاه آمار

از تأسیس سازمان تعزیرات حکومتی تا پایان ۱۳۸۱ تعداد ۳۰۲۱۳۸۰ مورد تخلف اقتصادی به شعب بدوی تعزیرات حکومتی ارجاع شده است که بیشترین آن‌ها با ۹۷۵۳۳۵ مورد (۳۲/۳ درصد) تخلف گران‌فروشی (جدول ۲) و پس از آن ۹۶۵۶۶۷ مورد (۳۲ درصد) تخلف نداشتن برچسب قیمت کالا بوده است. ۴۰

آمار یاد شده نشان می‌دهد که تعداد متخلفان گران‌فروشی از تأسیس سازمان تعزیرات حکومتی تا پایان ۱۳۸۱ با اندکی تغییر، ثابت بوده است. برای این وضع می‌توان دو فرض جداگانه داشت.

۱. تعداد متخلفان گران‌فروشی در سال‌های مورد بررسی تغییر محسوسی نداشته است.

۲. با گسترش فعالیت بازرگانی و صنعتی در کشور، تعداد متخلفان

گران فروشی نیز افزایش یافته است. اما، ظرفیت کشف و رسیدگی، محدود به آمار یاد شده است.

با تأمل می‌توان دریافت که برخی درج نکردن قیمت کالاها احتمال دارد با انگیزه و قصد گران‌فروشی باشد که در عمل به گران‌فروشی منتهی شده است. زیرا تعدادی از تخلفات درج نکردن قیمت کالا نیز به تخلف گران‌فروشی تبدیل می‌شود. در نتیجه نسبت تخلفات گران‌فروشی به کل تخلفات فراتر از ۳۲/۳ درصد خواهد بود. بنابراین، حذف یا کاهش پدیده گرانی و گران‌فروشی باید در راس برنامه‌های دولت و به ویژه سازمان تعزیرات حکومتی برای پیشگیری از تخلفات اقتصادی و رعایت حقوق مصرف‌کنندگان قرار گیرد.

حل مشکل گرانی و مسؤولیت سازمان تعزیرات حکومتی

با توجه به مطالبی که درباره گرانی و تورم گفته شد، مشخص گردید که این دو پدیده از مسائل جدی اقتصاد کشور است. گرانی و تورم اگرچه دلیل افزایش قیمت‌ها هستند اما دو مفهوم کاملاً جدا از یکدیگرند. تورم فعلی در اقتصاد کشور، نهفته در بطن سیاست‌های اقتصادی دولت است و هر قدر در اقتصاد کشور، فاصله نرخ رشد اقتصادی با نرخ تورم کمتر باشد دولت در خنثی‌سازی گرانی ناشی از تورم موفق‌تر است. علاوه بر این، مستندات و ریشه‌ها و علل تورم در اقتصاد کشور از طریق سیاست‌های اقتصادی دولت در قالب برنامه عمرانی، بودجه و جز آن قابل پی‌گیری و شناسایی است. سازمان تعزیرات حکومتی به‌عنوان عضوی از اعضای دولت لازم است نرخ واقعی تورم را اجتناب‌ناپذیر تلقی کند.

پدیده گرانی و گران‌فروشی در شرایطی ایجاد می‌شود که هنگام بروز نوسان‌های اقتصادی مانند تورم و افزایش قیمت‌ها از نرخ واقعی تورم فراتر رود و در این شرایط مسؤولیت سازمان تعزیرات حکومتی در کنترل گرانی بسیار مهم است. محور تصمیم‌های این سازمان مردم به‌عنوان مصرف‌کنندگان هستند. در حال حاضر، سازمان تعزیرات حکومتی یک سازمان دولتی است که مردم آن را به‌عنوان حامی واقعی حقوق خود نشناخته‌اند. به‌نظر می‌رسد اگر خواست منطقی مردم که داشتن جامعه‌ای دور از تخلف‌های اقتصادی است که در آن حقوق مصرف‌کننده رعایت می‌شود، از طریق این سازمان شناسایی شود و در قالب قانون به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، زمینه‌های مشارکت و فعالیت مردم با سازمان بیشتر می‌شود. به‌عبارتی، سیاست نظارت دولت بر مردم به سیاست جدید نظارت مردم بر مردم تغییر می‌کند، علاوه بر تعزیرات حکومتی، تعزیرات دموکراتیک نیز وجود داشته باشد.

گرانی و گران‌فروشی همواره در اقتصاد کشور وجود داشته است که به‌خوبی دلیل این است که سیاست‌های فعلی با گذشت زمان کارآمدی کمتری داشته‌اند. راهکارهای بسیاری در کوتاه‌مدت و بلندمدت قابل طرح است؛ اما، برای اجرای آن قبل از هر چیز یک بستر اجتماعی و فرهنگی و ساختار سازمانی مناسب نیاز داریم.

پی‌نوشت:

۱. علی حسین یاراحمدی، بررسی تنگناهای موجود در سیستم قیمت‌گذاری... (کارشناسی ارشد)، تهران، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۴.
۲. روزنامه انتخاب مورخ ۸۲/۳/۲۰
۳. روزنامه ایران مورخ ۸۲/۳/۲۸
۴. روزنامه رسالت مورخ ۸۲/۳/۲۷
۵. روزنامه ایران مورخ ۸۲/۳/۲۶
۶. روزنامه آفرینش مورخ ۸۲/۳/۲۷
۷. روزنامه رسالت مورخ ۸۲/۳/۲۹
۸. روزنامه انتخاب مورخ ۸۲/۳/۱۹
۹. روزنامه صدای عدالت مورخ ۸۲/۳/۲۸
۱۰. روزنامه انتخاب مورخ ۸۲/۳/۲۱
۱۱. روزنامه ایران مورخ ۸۲/۳/۲۷
۱۲. روزنامه رسالت مورخ ۸۲/۳/۳۱
۱۳. روزنامه شرق شماره ۱۷ مورخ ۸۲/۶/۲۳ گزارش بین‌نس مانیتور اینترنشنال (BMI) از عملکرد اقتصادی ایران در ۲۰۰۳، ص ۱۹.
۱۴. روزنامه صدای عدالت مورخ ۸۲/۳/۲۰
۱۵. روزنامه انتخاب مورخ ۸۲/۳/۳۱
۱۶. روزنامه رسالت مورخ ۸۲/۴/۴
۱۷. روزنامه آفرینش مورخ ۸۲/۴/۴
۱۸. روزنامه صدای عدالت مورخ ۸۲/۴/۴
۱۹. روزنامه ایران مورخ ۸۲/۵/۱۵
۲۰. روزنامه انتخاب مورخ ۸۲/۳/۲۸
۲۱. روزنامه صدای عدالت مورخ ۸۲/۳/۱۳
۲۲. روزنامه آفرینش مورخ ۸۲/۳/۲۵
۲۳. روزنامه رسالت مورخ ۸۲/۳/۱۹
۲۴. روزنامه کیهان مورخ ۸۲/۳/۲۷
۲۵. روزنامه صدای عدالت مورخ ۸۲/۳/۲۱
۲۶. روزنامه صدای عدالت مورخ ۸۲/۳/۲۷
۲۷. روزنامه صدای عدالت مورخ ۸۲/۲/۱۰
۲۸. روزنامه ابرار مورخ ۸۲/۲/۱۰
۲۹. روزنامه انتخاب مورخ ۸۲/۴/۳
۳۰. روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۸۲/۴/۳ و سازمان تعزیرات حکومتی، اداره کل روابط عمومی.
۳۱. روزنامه رسالت مورخ ۸۲/۳/۲۲
۳۲. روزنامه همشهری مورخ ۸۲/۳/۲۵
۳۳. روزنامه صدای عدالت مورخ ۸۲/۴/۱
۳۴. روزنامه رسالت مورخ ۸۲/۳/۱۸
۳۵. روزنامه همشهری مورخ ۸۲/۳/۲۹
۳۶. روزنامه ابرار مورخ ۸۲/۴/۲
۳۷. روزنامه رسالت مورخ ۸۲/۴/۱
۳۸. سازمان برنامه‌ریزی و بودجه سند برنامه سوم توسعه، ج ۱، ۱۳۷۸، صص ۳۹۱-۳۸۶.
۳۹. روزنامه همشهری مورخ ۸۲/۳/۱ ص ۴
۴۰. گزارش «سازمان تعزیرات حکومتی، گذشته، حال، آینده» به همت شورای اطلاع‌رسانی و دفتر رایانه و مدیریت اطلاعات، بهار ۱۳۸۲، صص ۷۳ و ۷۶.